

Research Article

Comparing the legal status of commercial contracts and regulatory commercial documents by representatives without authority or position (with an approach in Islamic jurisprudence and transnational law)

Mohammad Bozorgpanah^۱, Alireza Entezari Najafabadi^۲, Mahmoud Ghayoumzadeh^۳

Received: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶ Accepted: ۱۴۰۳/۰۹/۱۶

Abstract

The generally accepted rule in legal systems is that the proxy contract is the original contract. Although the basis of legal systems in this regard is different and this rule has exceptions and should not be considered in all cases in the same way, the absence of position and authority does not always lead to the lack of influence of the contract and commercial document. The intention to represent and perform a legal act for the client, especially in contracts where the parties are members of the contract, is necessary and is one of the conditions for the validity of the contract. The results will show. If the representative lacks the authority and position and the third party should also be considered to be aware of this matter, in this case what will be the status of the contract and commercial document and whether the third party can refer to the representative and demand the performance of the obligation or must refer to the principal, also if the representative lacks the authority or position and the third party is not aware of this, but due to the position of the representative, any ordinary person considers him to be a real representative and has the position and authority (such as the CEO and the minister, etc.) in this case, does the representative's signature have legal effect and be considered genuine against the third party? Is he responsible or not? And in the case where the principal and the agent have conspired with each other to make the agent be considered without authority and position, and in the future, the beneficiary may abuse this and invoke the lack of authority and position of the agent, this situation should also be examined. Basically, do the above-mentioned issues have the same results in a commercial contract and a commercial document, or do different results occur? Is there a difference from a jurisprudential perspective between commercial contracts and commercial documents?

Keywords: Agent, commercial contract, commercial documents, authority and authority, nepotism.

^۱ - PhD student in Private Law, Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Law Department, Naraq Branch, Islamic Azad University, Naraq, Iran. (Corresponding Author).

^۳ - Full Professor, Department of Education and Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

مقاله پژوهشی

مبانی فقهی حقوق اسلامی

مقایسه وضعیت حقوقی قراردادهای تجاری و اسناد تجاری تنظیمی توسط نمایندگان فاقد

اختیار یا سمت (با رویکرد در فقه اسلامی و حقوق فراملی)

محمد بزرگ پناه^۱، علیرضا انتظاری نجف آبادی^۲، محمود قیوم زاده^۳

چکیده

قاعده کلی پذیرفته شده در نظام های حقوقی آن است که قرارداد نماینده قرارداد اصیل است. اگرچه مبنای نظام های حقوقی در این خصوص متفاوت است و این قاعده دارای استثنائاتی می باشد و نمی بایست تمامی موارد را به یک شکل در نظر گرفت، با این وصف عدم وجود سمت و اختیار، همیشه موجب عدم نفوذ قرارداد و سند تجاری نیست. قصد نمایندگی و انجام عمل حقوقی برای موکل به ویژه در قراردادهایی که طرفین از ارکان عقدند، ضرورت دارد و از شرایط صحت عقد است. نتایج نشان خواهد داد. چنانچه نماینده فاقد اختیار با سمت باشد و شخص ثالث نیز عرفاً می بایست از این امر مطلع محسوب شود، در این حالت قرارداد و سند تجاری چه وضعیتی خواهد داشت و آیا شخص ثالث می تواند به نماینده مراجعه و خواستار اجرای تعهد شود یا می بایست به اصیل مراجعه کند، همچنین چنانچه نماینده فاقد اختیار یا سمت باشد و شخص ثالث از این امر مطلع نباشد اما به واسطه سمت نماینده هر شخص متعارفی وی را نماینده واقعی و دارای سمت و اختیار تصور کند (همانند مدیر عامل و وزیر و...) در این حالت آیا امضاء نماینده دارای اثر حقوقی بوده و اصیل در مقابل ثالث مسئول می باشد یا خیر؟ و در حالتی که اصیل و نماینده با یکدیگر تبانی کرده تا نماینده فاقد اختیار و سمت تلقی گردد و در آتی در مقابل ذینفع با سوء استفاده از این امر به فقدان سمت و اختیار نماینده استناد نمایند که این حالت نیز می بایست مورد بررسی قرار گیرد و اساساً آیا موضوعات مطرح شده فوق در قرارداد تجاری و سند تجاری نتایج یکسانی دارد و یا نتایج متفاوتی حاصل میشود؟ آیا تفاوتی از منظر فقهی بین قراردادهای تجاری و اسناد تجاری وجود دارد؟

واژگان کلیدی: نماینده، قرارداد تجاری، اسناد تجاری اختیار و سمت، معامله فضولی.

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

^۲ - استادیار، گروه حقوق، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول). entezari.uni@gmail.com

^۳ - استادتمام، گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

امروزه اسناد تجاری (چک، سفته و برات در روابط بین افراد جامعه علی الخصوص در روابط بین المللی دارای اهمیت بسیار زیادی است). (اسکینی، ۱۳۹۴: ۴۶) یکی از عوامل مهم در مراودات تجاری، صدور اسناد تجاری از جمله چک و سفته می باشد که متعاقب صدور اسناد تجاری موضوعاتی نظیر ظهرونیسی و ضمانت را نیز به همراه دارد و هر کدام این اعمال حقوقی موجب به وجود آمدن مسئولیت های مختلف حقوقی می گردد. هر یک از این اعمال حقوقی مسئولیت ها و حقوقی را ایجاد می کنند. صدور سند تجاری ممکن است از طرف خود شخص یا نماینده وی صورت گیرد. به موجب ماده ۲۲۷ قانون تجارت ایران، «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود...» با توجه به اینکه محتمل است اشخاص حقیقی و قطعیه یقیناً اشخاص حقوقی به دلیل اعتباری بودن ماهیت آنها اقدامات و اعمال حقوقی خود را توسط نمایندگان (اعم از رئیس دستگاه اجرایی، مدیرعامل، رئیس هیات مدیره و نماینده به معنی خاص و وکیل و...) به منصفه ظهور رسانند و ایشان به نمایندگی از شخص حقیقی و حقوقی اقدام به تنظیم قراردادهای تجاری و اسناد تجاری به معنای خاص (چک سفته و برات) نمایند (عبدی، پور، ۱۳۹۲: ۳۸) و از آنجا که درجهان کنونی، با توجه به گستردگی مراودات اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی قادر نیستند به تنهایی همه اقدامات خود را سامان بخشند به ویژه آنکه توسعه فعالیت شرکت های فراملی و دولت ها در اقصی نقاط جهان مستلزم انتخاب نمایندگان واجد صلاحیت می باشد که متأسفانه مساله نمایندگی در حقوق ایران بسیار ناقص و نارسا می باشد. بدین معنی که بعضاً ممکن است این نمایندگان از حدود اختیارات خود تجاوز نموده و یا اساساً بعد از اتمام دوره نمایندگی خود و یا پس از عزل و بدون داشتن سمت از جانب شخص حقوقی همچنان اقدام به امضاء قرارداد و یا صدور اسناد تجاری نماید (معزی، ۱۳۹۵: ۶۸). در این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش هستیم که آیا اصول و قواعد حاکم بر هر دو سند (قراردادهای تجاری و سند تجاری) یکی است و یا با یکدیگر متفاوت می باشد؟ چنانچه نماینده از حدود اختیار خود تجاوز کند و یا سمت او زائل شده باشد و علی رغم این امر اقدام به امضاء قرارداد نماید وضعیت این تعهد چگونه است آیا شرایط در هر دو سند (تجاری و قراردادی) یکی است و یا متفاوت است؟ در خصوص صدور سند تجاری به نمایندگی، این نکته حائز اهمیت است که آیا مسئولیت صرفاً متوجه اصیل میگردد و این مهم را باید به عنوان یک قاعده کلی و عمومی پذیرفت یا نماینده نیز دارای مسئولیت می باشد؟ آیا تفاوتی میان زمانی که نماینده، نمایندگی خود را آشکار یا پنهان می نماید وجود دارد؟ و آیا در حالتی که سابقاً اصیل اقدامات نماینده را در فرضی که نماینده فاقد اختیار و سمت بوده تایید نماید، این تایید و تنفیذ را میتوانیم به قراردادهای آتی که نماینده فاقد اختیار و سمت امضا نموده نیز تسری داد؟

۱- مفهوم قرارداد و سند تجاری

قرارداد تجاری: به قراردادی اطلاق می شود که در مقام معاملات تجاری و رفع حوائج تجاری منعقد می گردد (اسکینی، ۱۳۹۳: ۳۰). قرارداد تجاری به قراردادی اطلاق میشود که منجر به تعهدات الزام آور گردد. قراردادهای غیر الزام آور و موافقتنامه و توافقنامه ساده و ابتدایی هستند که ممکن است از آثار اجرایی و الزام آور برخوردار نباشند (اسکینی، ۱۳۹۱: ۴۲). قرارداد تجاری ممکن است تجارت کالا یا خدمات باشند. به همین جهت این نوع قرارداد طیف وسیعی از قراردادها را تشکیل میدهند. بخشی از قراردادهای تجاری مانند تجارت کالا جزء قراردادهای اصلی و

قراردادهایی مانند حمل و نقل، بیمه کالا و ضمانت نامه بانکی، پرداخت بین المللی جزء قراردادهای فرعی و تبعی هستند که به تبع قرارداد اصلی به وجود می آیند.

۲- ماهیت حقوقی قراردادهای تجاری

قراردادهای تجاری آن دسته از قراردادهایی هستند که در راستای خرید یا فروش هر نوع مال منقول یا اجاره ای که از طریق حمل و نقل از راه خشکی، آبی و یا هوایی انجام میشود، تعریف میگردد و شامل اصول قراردادهای تجاری است (طارم سری، ۱۳۹۴: ۴۱). هر قرارداد تجاری، مجموعه و سلسله شریای دارد که شامل؛ شرایط عمومی و شرایط خاص می باشد، شرایط عمومی، در تمام قراردادها مشترک است و شرایط خاص طبق توافق طرفین قرارداد برقرار می شود، قواعد تجاری در قوانین عمومی به طرفین قرارداد، اجازه داده که در صورت بروز اختلاف به محاکم و دادگاه حل و فصل اختلاف مراجعه کنند، اینکه قرارداد تجاری در چه شریای شکل می گیرد و تشکیل میشود، جزء شرایط عمومی قرارداد می باشد. اما شروط خاص قراردادهای تجاری، در هر قراردادی متفاوت است و شامل مواردی مانند؛ مقدار معاملات، زمان و مکان پرداختی ها، اعتبارات و پایان زمان قراردادها است که همه ی این امور به توافق طرفین قرارداد بستگی دارد. قوانین حاکم بر قراردادهای تجاری، بر طبق قوانین کشورها تنظیم می شود و در هر کشوری ممکن است متفاوت باشند و نباید در هیچ قراردادی قوانین کشورها نقض شود و در صورت نقض قوانین، قرارداد تجاری محکوم به ابطال خواهد بود (خزایی، ۱۳۹۵: ۶۲).

۳- ماهیت فقهی و حقوقی اسناد تجاری

در اسناد تجاری شکل و ظاهر سند از اهمیت بالایی برخوردار است و از آنجا که در معاملات تجاری سه اصل سرعت، امنیت و اعتبار از جایگاه ویژه ای برخوردار است لذا انجام معاملات و دلائل اثباتی آن در اسناد تجاری از محدوده قانون مدنی جدا شده و کلاً از دامنه قانون مدنی خروج موضوعی پیدا می کند و به عنوان یک ابزار مبادلاتی که از امور اعتباری نیز منتزع گردیده، نمود پیدا می کند و آن را مال آلی (مالی که جدا و مستقل از جسم مرکب باشد) نامیده اند. از این رو علیرغم اینکه سند در قانون مدنی مستقل نیست در قانون تجارت دارای وصف تجردی می گردد و وصف استقلالی به خود می گیرد و از علت ایجاد تعهد خود جدا می گردد و ارزش مختص خود کسب می نماید، این ویژگی سند تجاری سبب اسان شدن انجام معاملات می گردد، چون ابهامی در خصوص اعتبار طلب انعکاس یافته در سند تجاری و صحت آن وجود ندارد و بدین ترتیب اصل سرعت در تجارت و بازرگانی ایجاد می گردد. زیرا همه تدابیر در تامین اعتبارات پرداخت مبالغ مندرج در سند تجاری پیش بینی گردیده است. (صقری، ۱۳۸۷: ۲۰) از اینرو امضا سند تجاری نیز وابسته و نشات گرفته از همین استدلالات می باشد و دارندگان آن ها می بایست در پرتو و حمایت همین استقلال وجودی قرار بگیرند و در آتی با ایرادات عدم اختیار و سمت مواجه نگردند. از میان اسناد تجاری، سندی که بیش از همه در معاملات و مبادلات بین تجار ایفای نقش می کند چک می باشد، لذا در خصوص بررسی ماهیت فقهی چک می توان اذعان داشت اغلب فقهای متقدم ماهیت چکهای عادی را مانند حواله و آن ها را مشمول احکام حواله دانسته اند و حواله از دیدگاه فقه اسلامی از اقسام ضمان به معنی اعم مطرح شده است، و عده ای به اصالت آن تصریح نموده اند. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ص ۲۷۹/۱۴، طوسی، ۱۴۰۷ ص ۸۸/۲، صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ص ۲۶/۲۷۹).

ولی بعضی حواله به غیر بدهکار را، مصداق ضمان می‌دانند، حواله یعنی انتقال دین از ذمه مدیون به ذمه فردی که ذمه اش به مثل آن دین مشغول است (یزدی، ۱۴۰۹ ص. ۵/ ۴۵۱). برخی حواله را (عقد الشرع لتحويل المال من ذمه الی ذمه مشغوله بمثله) (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ص. ۱/ ۳۲۱) می‌دانند. برخی نیز معتقدند چک از اوراق نقدی نیست، و ارزش مالی مستقل ندارد و تنها سندی معتبر و قانونی بر مبلغی معین نزد بانک است (امام خمینی، ۱۴۲۵، ص ۴۶۷/۴) اما حقوقدانان چک را وسیله‌ای جهانی برای پرداخت فوری دانسته‌اند (اسکینی، ۱۳۸۵ ص ۴/ ۱۸۲). در اسناد تجاری برخلاف اسناد عادی دیگر، قانون‌گذار تجارت برای آنها شرایط شکلی خاصی را مقرر داشته است که در تنظیم سند و صدور آن باید رعایت شود (ماده ۲۲۳ در مورد برات، ۳۰۸ در مورد سفته و ۳۱۰ و ۳۱۱ در مورد چک). ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط شکلی آن است که سند صادره سند تجاری محسوب نشده و از مزایای اسناد تجاری برخوردار نمی‌باشد (خزایی، ۱۳۹۵: ۸۵). سند تجاری اگر در وجه شخص معینی باشد تنها با ظهرنویسی و امضاء ظهر سند از سوی دارنده قابل انتقال است و اگر در وجه حامل باشد، نقل و انتقال آن با قبض و اقباض صورت می‌گیرد. قابلیت نقل و انتقال سند تجاری بدین معنا است که اولاً در اسناد تجاری تمام حقوق و مزایا از سند نشأت می‌گیرد و آنچه انتقال می‌یابد خود سند است، نه صرف دین یا مطلب موضوع سند. برخلاف اسناد عادی دیگر که سند قابلیت انتقال ندارد و آنچه ممکن است انتقال یابد طلب موضوع سند است و طلبکار، طلب خود از بدهکار را بعنوان یک طلب و حق به دیگری منتقل می‌کند. این عمل یک عمل حقوقی رضایی است که با توافق طرفین (طلبکار و گیرنده طلب) صورت می‌گیرد و سند و نوشته مدخلیتی در آن ندارد. ثانیاً: گیرنده حق بیشتری نسبت به انتقال دهنده به دست می‌آورد؛ بدین معنا که انتقال دهنده با امضاء و ظهرنویسی سند خود به جمع مسئولین پرداخت سند اضافه می‌شود و گیرنده علاوه بر صادرکننده و ظهرنویسان قبلی می‌تواند به ظهرنویسی اخیر (انتقال دهنده) نیز رجوع کند و علیه او اقامه دعوا نماید (بهرامی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

۴- مفهوم نمایندگی در فقه و حقوق

۴-۱ مفهوم نمایندگی در حقوق

امروزه در جهت گسترش ارتباطات در روابط اعتباری، نهاد حقوقی نمایندگی بعنوان مهمترین و رایج ترین نهاد حقوقی؛ توسعه ویژه‌ای یافته است. نمایندگی رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن اشخاص اختیار انجام اعمال حقوقی و در مواردی اعمال مادی را به نام و به حساب دیگری (شخص اصیل) می‌یابند و آثار این اعمال مستقیماً متوجه خود اصیل می‌شود (ویلیام آنسون، ۲۰۱۰: ۳۶). بدین ترتیب امروزه اشخاص قادرند با استفاده از این نهاد حقوقی همزمان در چندین مکان دور از هم با دیگران ارتباط حقوقی برقرار نمایند و اعمال و اقدامات خود را توسط نمایندگان انجام دهند (ساموئل، ۲۰۰۷: ۱۶). در بررسی نمایندگی در حقوق تطبیقی، انواع مختلفی از نمایندگی را می‌توان یافت. انواع نمایندگی در حقوق ایران: قانونی، قراردادی و قضایی است و در اروپا به سه نوع واقعی، ضمنی و حکمی می‌باشد و در مبانی فقهی موضوعی به نام نمایندگی وجود ندارد و می‌توان موضوعات مرتبط به آن را در مبحث وکالت جستجو کرد. در حقوق ایران نمایندگی به اعتبار «مقام اعطا کننده» است و در حقوق اروپایی و کامن لا تقسیم مبتنی بر بیان نمایندگی است به هر حال منشأ نمایندگی ممکن است یک قرارداد باشد که در این صورت نمایندگی قراردادی نام دارد و یا ممکن است به موجب قانون و حکم دادگاه باشد که در این صورت به ترتیب نمایندگی قانونی و نمایندگی قضایی نامیده می‌شود (عیسایی تفرشی، ۱۳۹۶: ۶۵). و همچنین شعبه شرکت خارجی در ایران توسط رکن و مقام اداره کننده به نام نماینده عمده اداره می‌شود که در ماده ۲۳ آیین نامه ثبت شرکت‌ها به آن اشاره شده است و این نماینده نیز بعنوان نماینده

قانونی همانند مدیر عامل و مدیران شرکتهای تجاری تلقی می‌شود (وحیدی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). در کتاب‌های حقوقی تعاریف متعددی از رابطه نمایندگی مطرح شده است؛ بعضی در تعریف نمایندگی گفته‌اند: «رابطه حقوقی بین نماینده و اصیل است که به موجب آن نماینده می‌تواند به نام و به حساب اصیل قرارداد ببندد که آثار آن به‌طور مستقیم دامن‌گیر اصیل شود» (قاسم زاده، ۱۳۹۳: ۴۴). این تعریف جامع نیست، چرا که نمایندگی را محدود به انعقاد قرارداد کرده است. در حالی که دایره موضوع نمایندگی محدود به انعقاد قرارداد نیست بلکه نماینده می‌تواند از جانب اصیل انشای ایقاع کندویاحتی درمواقعی اعمال مادی انجام دهد (حاجیان، ۱۳۹۴: ۳۷). عده‌ای دیگر در تعریف نمایندگی گفته‌اند: «نمایندگی عبارت است از آنکه شخصی به نام نماینده در انجام یک عمل حقوقی و به‌ویژه در انعقاد یک قرارداد به نام و به حساب شخص دیگر اقدام نماید به‌طوری که آثار آن عمل حقوقی مستقیماً متوجه منوب‌عنه شود» (درودیان، ۱۳۹۲: ۱۰۷). این تعریف کامل‌تر است از آن جهت که اختیار انجام عمل حقوقی اعم از عقد و ایقاع را برای نماینده در نظر می‌گیرد.

۴-۲ مفهوم نمایندگی از منظر فقه امامیه

مدخل نمایندگی در فقه امامیه در کتاب البیع قرار می‌گیرد، و چنانچه نماینده خارج از حدود اختیار و سمت اقدام نماید، اقدام او فضولی تلقی شده و مفروض آن است که در بیع فضولی، جز اجازه مالک، تمام ارکان عقد محقق می‌باشد و طبق قاعده فقهی (الاصل عدم و لایه) اصل عدم ولایت و نمایندگی است مگر اینکه دلیل شرعی یا قانونی ارائه گردد (عمید زنجانی ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). بیع فضولی همراه با اجازه مالک آثاری بر آن مترتب است که فقها آن را نافذ می‌دانند. مرحوم امام قدس سره در کتاب تحریرالوسیله اینگونه آورده است که (اگر مالک به بیع راضی باشد، لیکن از او اذن بابت خرید و فروش صادر نشده باشد، بعید نیست که از فضولی خارج باشد) (خمینی ۱۳۸۵/جلد ۱/ص ۵۸۰). در خصوص رضایت مالک و تنفیذ عمل نماینده به روایت عروه بارقی میتوان تمسک جست: پیامبر اکرم (ص) به عروه بارقی یک دینار می‌دهد تا گوسفندی برای اضحیه بخرد، عروه با آن یک دینار دو گوسفند خریداری می‌کند و در راه یک گوسفند را به یک دینار می‌فروشد و خدمت پیامبر می‌رسد و می‌گوید: این یک دینار این هم گوسفند اضحیه، سپس حضرت می‌فرماید: «بارک الله لك فی صفقه یمینك» (مدرسی ۱۳۹۳/جلد ۳/ص ۵۳۶)

در بحث فقهی به طور کلی برای نماینده در برابر ثالث وظایفی از جمله تعهد به رعایت حسن نیت، مراقبت، امانت، و محرمانگی شکل می‌گیرد، نماینده تجاری در فقه علی‌الاصول در بستر وکالت و با تعبیر استنباه در تصرف قرار گرفته (مروارید، ۱۴۱۰/ص ۱۱۵) در بررسی‌های فقهی، سونیت و علم و جهل نماینده در تعیین میزان حق مراجعه ثالث به نماینده می‌بایست در نظر گرفته شود، سونیت و جهل ثالث (قاعده اقدام) نیز در مراجعه به نماینده در تمامی موارد دخیل خواهد بود. اگر نماینده به سمت خود اشاره ای ننماید و اینکه ظاهراً به عنوان اصیل، قرارداد را منعقد نماید از نظر فقهی، شخص ثالث میتواند به اصیل و نماینده برای انجام تعهدات قراردادی مراجعه نماید.

۵- شرایط و ضوابط حاکم بر انعقاد قرارداد نمایندگی

در خصوص اعطا نمایندگی از طرف مالک به فضول چنین به نظر می‌آید که مالک سمتی را به صورت یک طرفه به فضول اعطا می‌نماید و لزوماً قبول فضول شرط نیست اما می‌توان گفت فضول با اجرای موضوع نیابت به طور ضمنی رضایت خود را اعلام نموده لذا دو اراده یعنی اجازه مالک و عمل فضول برای ایجاد نیابت تلقی می‌گردد. البته پذیرش

این موضوع صرفاً در رابطه با زمانی است که فصول قصد انجام معامله برای مالک را داشته، زیرا اگر فصول قصد معامله برای خود را داشته باشد عمل او به منزله رضایت نیست. این نکته نیز قابل ذکر است که طبق ماده ۱۹۷ و ۲۴۷ همچنین نظریه مشهور فقه امامیه معامله غاصب و سارق نیز از جمله معاملات فضولی است که با اجازه مالک نافذ و صحیح تلقی می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۸۵). طبق نظریه نمایندگی، صحت معامله به دلیل دارا شدن سمت نمایندگی از سوی مالک برای معامله کننده است نه تنفیذ عقدی که فصول بدون سمت با طرف دیگر منعقد کرده است زیرا توجیه معامله فضولی براساس تنفیذ و امضای عقد منعقد شده (بدون توجه به نمایندگی فصول) با نظریات (قصد و رضا) ارتباط پیدا می‌کند به عبارت دیگر در نظریه نمایندگی اراده مالک و فصول (در قرارداد نمایندگی) در تصحیح معامله فضولی دخالت دارد در حالی که براساس نظریات مختلف (قصد و رضا) رضای مالک، عقد یا قصد گذشته را نافذ یا کامل می‌کند به همین دلیل اداره فضولی مال غیر که به قصد احسان و کمک به غیر صورت می‌گیرد با نهادهایی همچون وکالت یا نمایندگی اضطراری قابل توجیه است و می‌توان اداره کننده را به عنوان نماینده فرض کرد اما در مورد غاصب چنین تصویری صحیح نیست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). با توجه به این امر شرایط و ضوابط نمایندگی را بیان می‌کنیم:

۵-۱- حسن نیت معامله کننده از منظر فقه و حقوق

تمام قراردادهای و روابط باید مبتنی بر حسن نیت باشد. حسن نیت از عوامل اساسی تنظیم رابطه بین تعهدات طرفین است و مفهومی است ذاتاً اخلاقی و برای مرتبط ساختن اصول حقوقی به مفاهیم بنیادین عدالت بکار میرود. حسن نیت معادل حقوقی حسن اراده اخلاقی است (سپیدال، ۲۰۰۵: ۸۰۹). در دنیا هیچ نظام حقوقی را نمی‌توان یافت که طرفدار سوءنیت باشد. هدف تمام نظام‌های حقوقی عبارت است از تقویت حسن نیت در روابط حقوقی و از این رو است که در روابط بین اشخاص فرض بر حسن نیت است و کسی که مدعی نقض آن از سوی طرف مقابل است باید از عهده اثبات آن نیز برآید. این توجه به حسن نیت در حقوق اسلامی بسیار روشن و قابل توجه است. نمونه این اهمیت را در روایتی منتسب به حضرت امام صادق علیه السلام می‌توان مشاهده کرد: از حضرت در مورد مردی سؤال می‌شود که بر عهده دیگری حقی دارد و وی منکر حق او می‌شود و قسم می‌خورد که وی از او چیزی طلبکار نیست و صاحب حق دلیلی در دست ندارد تا آن را اثبات نماید. در این فرض آیا وی از ترس ضایع شدن حقش می‌تواند برای احیای آن به شهادت دروغ متوسل شود؟ حضرت می‌فرمایند: وی نمی‌تواند چنین کند زیرا این نوعی تدلیس و نیرنگ است (بابویه قمی، ۱۴۱۳، ۳، ۷۴). این روایت نشان‌دهنده حداکثر هشدار به خودداری از اقداماتی است که منتهی به فریب و نیرنگ در روابط می‌شود و بالاتر از این نمی‌توان احترام به حسن نیت و مکارم اخلاقی همراه با آن را مشاهده کرد چرا که شخص از شهادت دروغ برای اثبات حقش نیز منع شده است.

۵-۲- علم مالک به شرایط عقد:

در صورتی که وکیل و نماینده در حدود اختیاراتی که منوب عنه یا موکل به وی تنفیذ نموده عمل نماید، مانند سایر موارد وکالت و نمایندگی، علم تفصیلی موکل به شرایط مورد وکالت شرط نیست و موکل با اعطای اختیار به وکیل، علم او را برای معامله کافی دانسته است اما در صورتی که نماینده و وکیل از طرف مالک دارای اختیارات تنفیذی نباشند، به نوعی معامله فضولی بر اساس نظریه قصد و رضا محقق گردیده و علم مالک به شرایط عقد ضروری است زیرا فصول

بدون داشتن سمت، معامله را انجام داده است و نسبت به عقد بیگانه می باشد لذا مالک در هنگام تنفیذ عقد باید به طور تفصیلی بداند موضوع و شرایط عقد و امضا شده چه می باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۸۸).

۵-۳- وجود اذن و اختیار در معامله:

وجود اختیار رکن اصلی نمایندگی است. اختیاری که اصیل به نماینده اعطا میکند تا بر اساس آن نماینده بتواند در دارایی اصیل تصرف کند. اعطای اختیار ممکن است صریح یا ضمنی باشد. رابطه نمایندگی، مستلزم یک رابطه امانی بین اصیل و نماینده و وجود اختیار و اذن برای نماینده، جهت انجام تشریفات حقوقی به نیابت از اصیل است (بیاله، ۲۰۰۸: ۳۰۶). در بسیاری قوانین کشورهای مختلف تنها کسانی حق معامله اموال خود را دارند که یا مالک باشند یا دارای نمایندگی قراردادی و قانونی از سوی مالک باشند (دانیل کلینبرگ، ۲۰۰۲: ۲۸).

اختیار، قراردادی مقدماتی است که زمینه انعقاد عقد اصلی را در مدت زمان مقرر میان طرفین فراهم میسازد. در قراردادهای تجاری و اعطای نمایندگی، در سند بایستی اختیار داشتن و موارد لازمه و نیز سایر شروط ذکر شود. همچنین اجازه از حق و حقوق اختیارات نمایندگی به تصریح قید میشود. روند عادی معاملات به این صورت است که در صورت وجود داشتن اختیار قانونی معامله شکل عادی و رسمی خود را طی میکند. ولی در صورت نداشتن یکی از صلاحیتهای لازم معامله دچار نقصان میشود. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۱۵). چ

۵-۴- اجازه

در تعریف عقد فضولی عبارت است از این که هرگاه شخصی نسبت به مال دیگری معامله ای منعقد نماید که در آن فاقد نمایندگی و اختیار است، این معامله را فضولی می نامند. در خصوص صحت معاملات فضولی می توان به عموماً و اطلاعات عقود اشاره نمود، از جمله آیه مبارکه "أحلّ الله البيع" است. عموم این آیه نشان از آن دارد که تمام معاملات حلال می باشد از جمله بیع فضولی، همچنین آیه ی "یا ایّها الذین آمنوا ال تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلاّ أن تكون تجارة عن تراض" (نساء، ۴: ۲۹) طبق این آیه، فقهاء اکل مال به باطل را حرام دانسته اند ولی تجارت از روی تراضی راجز می دانند. ادله ی دیگر آیه شریفه "افوا بالعقود" (مائده، ۵) عموم آیه دلالت بر این دارد که وفای به عقد واجب است از جمله عقد فضولی، (محقق داماد، ۱۳۹۱: ص ۱۴۸).

۶- قواعد حاکم بر مسئولیت ناشی از صدور قرارداد و سند تجاری به نمایندگی

طبق قاعده کلی و در فرض صدور سند تجاری از سوی نماینده، اصولاً مسئولیت متوجه صادرکننده (اصیل) بوده و نماینده از این بابت مسئول نیست. در ماده ۲۴۹ قانون تجارت ایران نیز این شخص اصیل است که مسئول می باشد، خواه مباشرت در صدور سند داشته باشد یا اینکه دیگری به نیابت از او اقدام به صدور سند نماید. این تفسیر با مقررات عام حقوق مدنی نیز سازگار است. به موجب ماده ۶۷۴ قانون مدنی ایران، «موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است، انجام دهد...». و به استناد ماده ۶۷۴ قانون مدنی: چنانچه وکیل در حدود اختیارات خود از جانب موکل سفته را امضا نموده باشد موکل نسبت به آن سند مسئول و متعهد شناخته میشود و نه وکیل. این ماده و مواد مربوط به تعهدات

وکیل (ماده ۶۶۶ تا ۶۷۳) نظریه تعهدات موکل دارد، دلالتی بر مسئولیت وکیل ندارد. بنابراین در فرض صدور سند تجاری به نمایندگی نیز اصولاً اَصیل مسئول است و نماینده مسئولیت ندارد (حاجیان، ۱۳۹۴: ۳۵).

۶-۱- شرایط وجوب شناسایی مسئولیت برای نماینده

زمانی که شخصی به نمایندگی اقدام به صدور سند تجاری می نماید، مسئول تلقی می شود. در این خصوص فرضیات مختلفی مطرح می گردد از جمله اینکه نماینده، نمایندگی خود را کتمان و یا تجاوز از حدود اختیارات نمایندگی را نماید و یا در مورد عمل حقوقی انجام شده با فقدان نمایندگی روبرو باشیم که در هر کدام از این فروض ممکن است مسئولیت برای نماینده ایجاد گردد. همچنین، در موارد خاص احتمال دارد، صرفاً نماینده مسئول شناخته شود از جمله ماده ۱۹ قانون صدور چک (خرمدی، ۱۳۹۵: ۴۴). و همچنین در حالتی که نماینده با اَصیل تبانی می نماید برای آنکه حقوق شخص ثالث را تضییع نمایند و فاقد حسن نیت نیست هستند، می توان نماینده را دارای مسوولیت تلقی نمود.

۶-۱-۱- نمایندگی افشاء نشده در زمان صدور سند از منظر فقه و حقوق ایران

فرض بر این است که نماینده در زمان صدور سند، نمایندگی خود را افشا نکرده باشد. این موضوع به ویژه زمانی رخ می دهد که صادرکننده واقعی سند تمایل ندارد که دیگران از روابط تجاری او با اشخاص دیگر آگاه شوند. مقررات قانون تجارت ایران در باب اسناد تجاری در خصوص این مسئله ساکت است در این مورد با ماده ۱۹۶ قانون مدنی به عنوان یکی از قواعد عام، مواجه هستیم. به موجب این ماده، اصل بر آن است که شخصی که معامله می کند، معامله برای همان شخص است مگر خلاف آن ثابت شود. «(دمیرچلی، ۱۳۹۳: ۶۷). به استناد ماده ۱۹۶ قانون مدنی اگر نماینده ای در زمان عقد، نمایندگی خود را مخفی نماید امکان ثابت کردن آن وجود دارد. برای ارائه یک تفسیر معقول از ماده ۱۹۶ قانون مدنی می توان به نظر برخی از فقهای بزرگ امامیه استناد کرد که حاکی از التزام و مسئولیت خود وکیل بویژه در فرضی است که معامله به نام وکیل واقع می شود و طرف قرارداد جاهل به وکالت است. علامه حلی در مساله معیوب بودن مبیعی که وکیل آن را فروخته است، تصریح می کند که در صورت علم مشتری به وکالت، کالای معیوب به موکل و در صورت جهل به وکیل رد می شود. (علامه حلی ۱۴۱۴، ق ۱۵/۹۷)، صاحب جواهر نیز با بیان این مورد که اگر شخصی کالایی بخرد سپس مدعی شود که به نیابت خریده و باید ثمن را از موکل مطالبه کند می گوید: «با جهل به وکالت مطالبه از وکیل موجه است؛ زیرا مباشرت او در خرید ظاهر در این است که معامله برای او بوده است...» (نجفی، ۱۳۴۹، ۲۷/۴۴۰). به عبارت دیگر وی با استناد به اصل عدم نمایندگی و ظهور مباشرت وکیل در عقد، وی را مسئول شناخته و نظر به التزام او به پرداخت ثمن داده است. میرزای قمی نیز با طرح همین مساله معتقد است: «هرگاه بخرد مال را از برای موکل، پس اگر علم دارد بایع به وکالت و وکیل هم به ذمه میخرد پس آن قیمت در ذمه موکل است و بایع از او مطالبه می کند و هرگاه جاهل باشد به وکالت، از وکیل مطالبه می کند و اگر وکیل را بری کند، موکل بری نمی شود چون در نفس الامر ثمن در ذمه او هست...» (میرزای قمی ۱۳۰۳، ۳۲۵)، محقق نائینی پس از طرح این سوال که آیا در صورت علم به وکیل بودن طرف مقابل در مقام اجرای صیغه معامله با وی صحیح است یا نه، با ارائه سه پاسخ قول به تفصیل را برگزیده و معتقد است در مواردی چون بیع که شخصیت بایع علت عمده عقد نیست، تنزیل وکیل به منزله بایع جایز است اما در مواردی چون نکاح که شخصیت بایع علت عمده عقد است، صحیح نیست. وی به دنبال این مساله به بحث التزام وکیل می پردازد و می افزاید در صورتی که مشتری علم به وکالت نداشته باشد وکیل ملزم به

اجرای تعهدات است ولی در صورت علم موکل ملتزم خواهد بود. (نایینی ۱۳۷۳/۱۸۲، بنابرین در تفسیر ماده ۱۹۶ ق م می توان گفت: در صورت عدم تصریح وکالت، اگر طرف قرارداد علم به این موضوع دارد که عاقد برای شخص دیگری معامله می کند، موکل نسبت به آثار قرارداد مسئول است اما اگر طرف نسبت به این موضوع جهل داشته باشد، نماینده یا همان عاقد طرف قرارداد محسوب میگردد و شخص جاهل می تواند اجرای قرارداد را از وی مطالبه نماید. این نظر هم با فقه و هم با مصلحت جامعه سازگار است. در خصوص این حکم، دو نوع تفسیر قابل ارائه است. از طرفی احتمال دارد صرفاً حکم یادشده را نسبت به روابط وکیل و موکل بدانیم که در این فرض اثبات وکالت یا عدم اثبات آن نسبت به طرف قرارداد که جاهل است تاثیری نخواهد داشت به عبارتی می تواند وکیل یاد شده را طرف قرارداد خویش محسوب کند. از طرفی، ممکن است حکم موضوع بررسی ناظر به روابط میان طرفین قرارداد به شمار آید. در این صورت، وکیل می تواند با اثبات وکالت، در برابر شخص قرارداد، تعهدات قراردادی را نپذیرد و طرف قرارداد مجبور به مراجعه به موکل خواهد بود. لذا نظر به قواعد عمومی و ملاک قواعد اختصاصی یادشده، اگر نماینده ای ضمن صدور اسناد تجاری نمایندگی خویش را عنوان ننماید، مسئول دانستن وی به دلیل داشتن حسن نیت دارنده اسناد تجاری منطقی و موجه است. زیرا دارنده سند تجاری که به وسیله ظهنرویی دارنده شده، هیچ علم و اطلاعی از زمان صدور سند تجاری ندارد و صرفاً به آنچه که در متن سند آمده اعتماد می کند. به عبارتی، آنچه در ظاهر اتفاق افتاده نسبت به آنچه که به عنوان قصد درونی از آن یاد می شود، اهمیت بیشتری داشته و ملاک اعتبار است. در این راستا، پذیرش استناد به وضع ظاهر، روش اصلح برای حمایت از تجار باحسن نیت دانسته شده است و اساساً جهت تقویت اسناد تجاری تفسیر خود را می بایست به سمتی سوق داد که افراد بیشتری دخیل در امر سند تجاری تلقی شوند و در این حالت نیز شاید بتوان گفت که در سند تجاری هم اصیل مسئول است و هم نماینده و چنانچه دارنده سند نسبت به این موضوع که صادر کننده سند، نماینده می باشد علم داشته باشد، نمیتوان نماینده را مسئول دانست زیرا اعتماد به ظاهر موضوعیت نداشته و دارنده علم و اطلاع دارد. هدف از مسئول شناختن نماینده در واقع، حمایت از دارنده با حسن نیت است. از طرفی نماینده که نمایندگی خود را اظهار ننموده می تواند به منوب عنه خویش مراجعه کند چرا که با اثبات وکالت، رابطه نمایندگی بین وکیل و موکل برقرار خواهد ماند.

۶-۱-۲- فقدان نمایندگی در زمان صدور سند

در بحث نمایندگی مشروط به اینکه نمایندگی متعارف باشد مزایای فراوانی وجود دارد ولی در موارد متعددی از جمله زمانی که موکل وکیل را عزل نموده یا موکل محجور یا فوت شده و وکیل بی اطلاع است یا در فرض دیگری اختیارات وکیل را محدود نموده و وکیل از آن آگاهی ندارد که در این حالت به وکیل مزبور وکیل حکمی یا نماینده حکمی می گویند. لذا جهت تحقق وکالت حکمی شرایط خاصی باید فراهم باشد که به شرح ذیل است: (حاتمی، مطالعات حقوقی/ دوره نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶) بنابرین برای تحقق وکالت حکمی، شرایط زیر ضروری است:

الف- فردی انجام اعمال حقوقی را به شخصی دیگر به عنوان وکیل محول واگذار می نماید.

ب- نیابت به وکیل بدون اعلام کردن به وی، سلب می گردد .

ج- وکیل بدون داشتن سمت عمل حقوقی را برای موکل انجام میدهد.(امیر محمدی: ۱۳۸۷، ۳۰)

د- وکیل از لحاظ شکلی و ظاهری طوری عمل می نماید که شخص ثالث با این تصور که وکیل دارای کلیه اختیارات است به نمایندگی از موکل عمل نماید. بدین گونه که ثالث به ظاهر مزبور اعتماد کرده و وکالت وکیل حکمی را قبول نماید.(همان ۳۰)

ه- شخص ثالث دارای حسن نیت باشد: از انجا هدف نظریه وکالت حکمی حمایت از حقوق شخص ثالث و حفظ و پابندی قرارداد هاست لذا شخص ثالث باید دارای حسن نیت باشد و واقعا تصور کند که نماینده دارای کلیه اختیارات می باشد.(۲۱-۲۲، ۲۰۰۹، Busch).

۱-۲-۱-۶- وکالت حکمی (فقدان نمایندگی) در فقه و حقوق ایران

عقد وکالت در فقه امامیه از جمله عقود جایز می باشد و موکل می تواند وکیل خود را عزل نماید و وکیل نیز می تواند از سمت خودش استعفا دهد. یکی از اختلاف نظر هایی که وجود دارد این است که وضعیت حقوقی اعمال حقوقی وکیل بعد از عزل در چه وضعیتی قرار می گیرد : نظر اول این است که اعتبار عزل وکیل زمانی است که این امر به وکیل اطلاع داده شود در غیر این صورت موکل مسئول اقدامات حقوقی خود می باشد.(حلی، ۱۴۰۵: ۱۷۸، بحرانی ۱۴۰۵: ۲۲). مستند این نظریه روایات متعددی در باب وکالت می باشد (فیض کاشانی ۱۴۰۶: ۹۵۹، به بعد؛ بابویه ۱۳۹۰: ۵۰، و ۴۹؛ طوسی ۱۳۷۵، ۱۴۱۲). نظر ثانی این است که اگر موکل در حضور وکیل، وی را عزل نماید عقد وکالت منفسخ می شود و در صورت عدم حضور وکیل، انفساخ صورت نمی پذیرد تا زمانی که وکیل مطلع گردد . (طوسی، بی تا: ۳۶۸ و ۳۶۷ عاملی: ۱۳۸۵، ۲۱۴). در رابطه با ملازمه علم وکیل مشهور است که نهی در حق نهی کننده اثری ندارد مگر پس از کسب علم (طوسی: ۱۴۱۵، ۳۴۲) در خصوص نظریه وکالت حکمی می توان گفت در حقوق ایران رسماً تعریفی از ان ارائه نگردیده ولی رگه هایی از ان در قوانین مشاهده می گردد که نمونه هایی از ان را در مواد ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۵ و ۱۳۵ اصلاحی قانون تجارت و ماده ۷ قانون ثبت شرکتها یافت می گردد. مواد مذکور در مورد تنفیذ اعمال مدیران فاقد سمت شرکتها وعدم امکان استناد به عذر نداشتن سمت است. نمونه دیگری را میتوان در ماده ۶۸۰ قانون مدنی یافت .

مبنای نظریه وکالت حکمی از منظر فقه

(قاعده لاضرر)

از جمله قواعد مهم فقهی قاعده لاضرر می باشد. معنای این قاعده نفی هر گونه ضرر و اضرار در دین مبین اسلام می باشد. مستند این قاعده فقهی (سمره بن جندب) است. اختلاف نظر در معنا و مفهوم این قاعده و مجاری استعمال ان وجود دارد. برخی فقها بر این عقیده اند که قاعده مزبور نفی حکم میکند و اثبات حکم نمیکند ولی برخی اعتقاد بر این دارند که این قاعده نه تنها نفی حکم میکند بلکه اثبات حکم نیز میکند. اجرای قواعد عمومی ناظر به فسخ مستلزم این است که با اعلام فسخ وکالت منحل گردد و نیابت وکیل نیز از بین برود. با وجود این اعمال این قاعده در فرضی که وکیل با شخص ثالثی عمل حقوقی را انجام میدهد با مشکلاتی مواجه میگردد. در این حالت وکیل نسبت به عزل

خویش جاهل است و شخص ثالث با حسن نیت عمل میکند. اجرای قواعد عمومی موجب ضمان میگردد چرا که اعمال وکیل را نمیتوان به موکل به دلیل عدم احراز سمت نسبت داد و ثالث نیز به دلیل تصرف در اموال موکل ضامن است لذا بر اساس قاعده لاضرر حکم ثانوی (بقای حکم وکالت تا آگاهی از عزل وکیل) جانشین حکم اول (انحلال وکالت با عزل وکیل) میگردد. این نظر در فقه عامه مورد تایید می باشد. (ابن نجیم ۱۴۱۸-۳۱۸-المرغینانی ۱۴۱۷-۵۵۳) و در حقوق ایران نیز عدم وجود وکالت حکمی را موجب خسارت می داند و وکالت حکمی را موافق مصلحت عامه تشخیص داده اند.

۶-۱-۳- تجاوز نماینده از دایره اختیارات خود در صورت نداشتن نمایندگی

مستنبط از مواد قانونی ۲۴۷ و ۶۷۴ قانون مدنی اگر نماینده از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، در خصوص اینکه مسئولیت ناشی از عمل حقوقی انجام شده توسط نماینده را به منوب عنه نسبت دهیم، عملی غیر منطقی است چرا که این عمل حقوقی نماینده، فضولی محسوب شده و بدون تنفیذ اصیل، نسبت به منوب عنه نیز بی تاثیر است و عدم تنفیذ موجب میگردد تا آثار عمل حقوقی نیز نسبت به نماینده بی تاثیر گردد ولی می توان از باب مسئولیت مدنی مستند به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی دعوی مطالبه ضرر و زیان را در دادگاه مطرح نمود. البته نظر به اینکه قانونگذار اختیارات را با توجه به اوضاع و احوال موضوع به دادگاه سپرده و حکم صریح و مشخصی وجود ندارد، راه حل قطعی به شمار نمی آید لذا با توجه به اهمیت بالای نقش اسناد تجاری و روابط بین تجار و افراد دیگر، بهتر است قانونگذار نسبت به مسئولیت نماینده مدعی یا نماینده ای که خارج از حدود اختیارات عمل نموده، مواردی را پیش بینی نماید. زیرا با توجه به موضوع، بابت کل وجه سند یا قسمتی از آن مسئول -اند (صقری، ۱۳۹۰: ۲۹).

۶-۱-۳-۱- تجاوز از حدود اختیارات در نمایندگی اشخاص حقوقی

بدیهی است اهلیت تمتع اشخاص حقوقی محدود به موضوع می باشد. لذا اگر مدیران شخص حقوقی خارج از حدود موضوع فعالیت این اشخاص اقدامی انجام دهند، نسبت به شخص حقوقی اثری ندارد و مسئولیتی متوجه وی نمی باشد. این مهم را می توان از ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، برداشت نمود. بر اساس ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مدیران شرکت سهامی اصولاً تمام اختیارات لازم در خصوص اداره شرکت دارند. به موجب ماده ۱۱۸: محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بر اساس مجامع عمومی صرفاً از نظر رابطه ی بین مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث بلا اثر می باشد. در نتیجه تحدید اختیارات مدیران، در صورت پیش بینی یا عدم پیش بینی دارای اعتبار است، ولی در مقابل اشخاص ثالث غیر قابل استناد می باشد. این موضوع در خصوص مدیرعامل شرکتهای سهامی مصداق نداشته زیرا مستند به ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت اقدامات مدیر عامل در حدود اختیارات تفویضی به وی نافذ می باشد در غیر این صورت اقدامات غیر نافذ می باشد. در خصوص تحدید اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیت محدود طبق ماده ۱۰۵ قانون تجارت امکان محدود نمودن مسئولیت مدیران را در اساسنامه فراهم نموده و در صورت پیش بینی در اساسنامه، در برابر اشخاص ثالث معتبر است در غیر این صورت، نسبت به شخص ثالث اعتباری ندارد. در رابطه با شرایط صدور اسناد تجاری توسط مدیر شرکت با مسئولیت محدود باید بین دو فرض قائل به تفکیک شد: اولاً زمانی است که اختیارات مدیر در اساسنامه محدود شده و سندی صادر نموده که خارج از اختیارات وی بوده، مدیر مسئول است، ثانیاً زمانی است که تحدید

اختیارات در اساسنامه ذکر نشده، شرکت خود مسئولیت دارد و از باب جبران خسارات احتمالی می تواند به مدیر متخلف مراجعه نماید. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۷۶).

۷- تعهدات و مسئولیت نماینده تجاری نسبت به شخص ثالث

با نگاهی جامع به روابط نماینده تجاری به عنوان نهادی شبه وکالتی و شخص ثالث، اگر اخلاق، انصاف و اقتضائات تجاری پا در میان نهند میتوان تعهدات و مسئولیتهای نماینده نسبت به شخص ثالث را در شمایل قاعدهای کلی ترسیم کرد. قاعدهای که بر مبنای آن نماینده تجاری در برابر شخص ثالث در راستای یک اصل کلی، و نه در قالب یک استثنا؛ ملزم به رعایت اصولی حقوقی، حرفه ای و اخلاقی گردد. در یک تقسیم بندی کلی میتوان تعهدات نماینده تجاری را به دو بخش تعهدات قراردادی و تعهدات غیرقراردادی تفکیک کرد. تعهداتی که عموماً بواسطه توافقات فیما بین نماینده تجاری و ثالث برای نماینده ایجاد میگردد در دسته اول قرار گرفته و سایر تعهدات نماینده تجاری را نیز میتوان در زمره تعهدات غیرقراردادی جای داد. تعهدات غیرقراردادی نماینده تجاری در برابر شخص ثالث را نیز میتوان از دو منظر بررسی نمود. از یکسو تعهدات عامی که برای کلیه نمایندگان تجاری الزمالتی است؛ و از سوی دیگر تعهداتی که هر یک از مصادیق نمایندگان تجاری در برابر ثالث بطور اختصاصی و جداگانه با آن روبرو هستند. از جمله تعهدات غیر قراردادی عام نمایندگان تجاری نسبت به اشخاص ثالث میتوان تعهد به رعایت حسن نیت، تعهد به رعایت محرمانگی، رعایت امانت، تعهد به داشتن اختیارات، تعهد به مراقبت می باشد و در خصوص تعهدات غیر قراردادی خاص نماینده تجاری نسبت به شخص ثالث می توان به به قائم مقام تجاری، دلال، حق العمل کار، عامل، مدیران شرکت ها اشاره نمود که هر کدام با توجه به وظایفی که به عهده میگیرند تعهدات و مسئولیت هایی نیز دارند. (نیازی، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰)

۷-۱- تعهدات و مسئولیت های نماینده در موارد خاص قانونی (سند تجاری چک)

یکی از استثنائاتی که در خصوص مسئولیت نماینده در ماده ۱۹ قانون صدور چک در نظر گرفته شده این است که علاوه بر اصیل، نماینده صادر کننده چک را نیز مسئول شناخته و به طور تضامنی مسئول پرداخت می باشند و این در حالیست که اصولاً نماینده مسئولیتی نسبت به تعهداتی که به نام منوب عنه خود ایجاد می نماید نیست. ماده ۱۹۰ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۱۳۸۷ ش. بر همین اساس، صادرکننده چک و صاحب حساب را متضامناً مسئول پرداخت وجه چک دانسته که البته نماینده بعد از پرداخت وجه سند، می تواند به اصیل مراجعه نماید. از آنجا که مسئولیت تضامنی برای نماینده در ماده ۱۹ قانون صدور چک تزلزل امنیت مالی را به دنبال دارد لذا برخی این موضوع را غیر اصولی و غیر منطقی می دانند. (اسکینی، ۱۳۹۱: ۴۵).

۷-۲- تعهدات و مسئولیت ناشی از صدور قرارداد و سند تجاری به نمایندگی از شرکت تجاری

در شرکت های تجاری علی الخصوص شرکت های سهامی به دلیل حمایت ویژه از اشخاص ثالث، نمایندگی دارای احکام خاص تری است. طبق ماده ۱۲۶ لایحه، محدودیت انتخاب مدیر عامل را بیان داشته، اشخاص مدیر در ماده ۱۱۱ و منع انتخاب اشخاصی که در شرکت های دیگر دارای سمت مدیرعاملی می باشند، لذا مدیر عاملی که اینگونه تعیین شده باشد اقدامات وی در برابر صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر می باشد و نسبت به اقدامات انجام گرفته

مسئول است. ماده ۱۳۵ با وضوح بیشتری در این خصوص مقرر نموده است: «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن ها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. در نتیجه حتی اگر مدیران به دلیل عدم رعایت تشریفات قانونی عزل گردند باز هم در برابر اشخاص ثالث نسبت به اقدامات شان مسئولیت دارند. ماده ۷ قانون ثبت شرکت ها نیز در خصوص تشریفات لازم برای اعلام تغییرات مدیریتی شرکت، قابل توجه است. طبق این ماده اگر تغییری در خصوص نمایندگان داده شود ولی به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع داده نشود، نسبت به اشخاص ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست البته این موضوع شامل حال شرکت های سهامی نمی باشد. (اسکینی، ۱۳۹۵: ۶۷).

۸- بررسی حالت های مختلف تنظیم قرارداد و اسناد تجاری توسط نمایندگان فاقد اختیار و سمت

۸-۱- قراردادهای تجاری تنظیمی توسط نمایندگان فاقد اختیار و سمت و حالت های مختلف آن:

۸-۱-۱- چنانچه بعداً مشخص گردد که قرارداد تجاری امضا شده توسط نماینده، برای اصیل و شخص دیگری بوده و نماینده فاقد اختیار یا سمت بوده است و اصیل اقدامات ضمنی را انجام دهد که به طور معمول و متعارف شخصی به این باور برسد که قرارداد تنفیذ شده و برای اصیل است نه برای نماینده، در اینجا اصیل مسئول است و نه نماینده، این امر در مواد ۱۹۶ قانون مدنی ایران و ماده ۲-۲-۵ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و ماده ۲۰۱-۳ اصول قراردادهای اروپا نیز مورد تایید قرار گرفته است.

۸-۱-۲- چنانچه نماینده فاقد اختیار یا سمت باشد و قرارداد تجاری را امضا کند و اصیل نیز هیچگونه اقدام ضمنی یا صریح مبنی بر تایید و تنفیذ صورت ندهد، عمل ایشان اصیل و ثالث را نسبت به یکدیگر ملتزم نمی کند اما نماینده و شخص ثالث به طور مستقیم، طرفین رابطه حقوقی قرار می گیرند این امر در بند یک ماده ۱۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۳ نیز مورد تایید قرار گرفته و در ماده ۶۷۴ قانون مدنی ایران نیز به همین شکل وضع قاعده شده است.

۸-۱-۳- چنانچه نماینده فاقد اختیار یا سمت باشد و شخص ثالث از این امر مطلع نباشد و قرارداد تجاری را امضاء نماید، اما به واسطه سمت نمایندگی هر شخص متعارفی وی را نماینده واقعی و دارای اختیار تصور کند (همانند هیات مدیره شرکت، وزیر، رئیس دستگاه و غیره) در این حالت امضای نماینده دارای اثر حقوقی بوده و اصیل در مقابل ثالث مسئول میباشد، این امر منطبق با ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت و همچنین ماده ۴۷ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات^۶ میباشد.

۸-۲- اسناد تجاری (چک سفته و برات) تنظیمی توسط نماینده فاقد اختیار و سمت و حالت های مختلف آن

۸-۲-۱- چنانچه نماینده اختیاریا سمت نداشته باشد و سند تجاری را امضا نماید طبق اصل استقلال امضا ها و همچنین شکل و ظاهر سند تجاری که اعتبار و اطمینان به آن از ظاهر سند نشأت میگیرد، نماینده خود مسئولیت داشته و اصیل هیچ گونه مسئولیتی ندارد و در صورت تایید و تنفیذ اصیل نیز مسئولیت نماینده همچنان باقی است؛ این امر مورد تایید ماده ۸ کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰ در مورد سفته و چک و ماده ۱۱ کنوانسیون ژنو در مورد چک ۱۹۳۱ و ماده

۳۶ کنوانسیون آنسیترال ۱۹۸۸ در خصوص سفته و برات و همچنین تئوری عمل به ظاهر (La théorie de l'apparence) می‌باشد.

۲-۸- چنانچه نماینده فاقد اختیار و سمت باشد و سند تجاری را امضا نماید و شخص ثالث نیز از این امر مطلع نباشد، اما به واسطه سمت نماینده هر شخص متعارفی وی را نماینده واقعی و دارای اختیار تصور کند (همانند مدیرعامل شرکت وزیر و رئیس دستگاه اجرایی) در این حالت امضای نماینده دارای اثر حقوقی بوده و اصیل در مقابل ثالث مسئول می‌باشد؛ این امر همانگونه که اشاره شد در خصوص قراردادهای تجاری نیز قابل تسری می‌باشد و منطبق با ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز بوده و در ماده ۴۷ معاهده وین درباره حقوق معاهدات نیز هرچند مربوط به تنظیم معاهدات بین‌المللی است اما در آن سند بین‌المللی نیز این امر مورد تایید قرار گرفته است.

۲-۸-۳- چنانچه نماینده دارای اختیار و سمت بوده و تصریح به نمایندگی نیز نموده باشد (و به طریق اولی حالتی که به نمایندگی اشاره ای ننموده باشد) اما نام اصیل را در سند تجاری قید نماید در این حالت نماینده خود مسئول می‌باشد که این امر با وصف تجربیدی اسناد تجاری و اینکه سند تجاری به محض به گردش درآمدن دارای اعتماد ظاهری بوده نیز انطباق دارد که در ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال ۱۹۸۸ در خصوص سفته و برات نیز تایید گردیده است و با تئوری نماینده افشا نشده و تئوری عمل به ظاهر نیز منطبق می‌باشد.

۲-۸-۴- چنانچه نماینده فاقد سمت و اختیار باشد و با این وجود با اصیل تباری نموده (تقصیر سنگین) تا در آتی در مقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری به این امر استناد نماید، در این حالت و در صورت اثبات تباری و عدم حسن نیت، اصیل و نماینده و با توجه به تضامنی بودن مسئولیت در اسناد تجاری هر دو مسئول می‌باشند.

۲-۸-۵- چنانچه نماینده فاقد اختیار و سمت باشد و سابقاً از طرف اصیل قرارداد تجاری و یا سند تجاری را امضاء نموده باشد و این امر مورد ایراد اصیل قرار نگرفته باشد و اصیل به مفاد آن قرارداد و سند تجاری خود را پایبند دانسته و آن تعهدات را اجرا نموده باشد، اصیل در آینده نیز نمی‌تواند در مقابل اشخاص ثالث که اقدام به انعقاد قرارداد یا اخذ سند تجاری آن نماینده نموده اند به این ایراد و فقدان سمت و اختیار نماینده استناد نماید.

نتیجه گیری:

نماینده تجاری در فقه علی‌الاصول در قالب وکیل قرار گرفته و براساس قواعد وکالت در صورت تقصیر و عدم تنفیذ در برابر ثالث مسئول می‌باشند. در قوانین ایران می‌توان قائم مقام تجاری، عامل، مدیران شرکتها و حق العمل کار را مصادیق نمایندگی تجاری قلمداد و برای ایشان وظایفی برابر ثالث ترسیم نمود. در حقوق انگلیس نیز مصادیق نماینده تجاری دارای وظایفی نسبت به ثالث هستند. با توجه به گسترش تجارت اعم از داخلی و بین‌المللی و همچنین گسترش مناسبات اقتصادی درون مرزی و برون مرزی و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در زمینه‌های مختلف تجاری و همچنین تنظیم قراردادهای تجاری در این خصوص و ایضا پرداخت‌های غیر نقدی صورت گرفته توسط اسناد تجاری به ویژه چک در حقوق داخلی و برات و سفته در مناسبات بین‌المللی، قطع به یقین یکی از مسائل مبتلا به و اجتناب ناپذیر، امضای اسناد و قراردادهای تجاری به ویژه در اشخاص حقوقی به جهت اعتباری بودن ماهیت آنها توسط نمایندگان آنان و در اشخاص حقیقی نیز بطور موردی با اعطا نمایندگی می‌باشد و به تبع آن مطرح شدن بحث نمایندگان فاقد

سمت و اختیار می باشد، که می بایست در قوانین داخلی، بطور ویژه برای این امر قواعد و مقرراتی پیش بینی گردد، در خصوص نمایندگان فاقد سمت و اختیار می بایست اذعان داشت پذیرش وکالت حکمی در فقه امامیه خلاف قاعده و استثنائی است و این در حالی است که در کشورهای اروپایی، نمایندگی حکمی مانند نمایندگی واقعی و ضمنی به صورت یک قاعده عمومی پذیرفته شده و خلاف امر و قاعده نمی باشد. در اصول قراردادهای تجاری بین المللی (۲-۲-۱۰) و اصول حقوق قرارداد اروپا (۲۰۱-۳) این موضوع مورد قبول واقع شده است. دلیل پذیرش وکالت حکمی در فقه اسلامی بر طبق قاعده لاضرر، در حقوق انگلیس بر طبق قاعده استاپل، در حقوق فرانسه و آلمان حمایت از شخص ثالث با حسن نیت است. در اکثر نظام های حقوقی از جمله در اصول قراردادهای تجاری بین المللی UNIDROIT و در فصل ۲ ماده ۱-۲-۲ به بعد مقررات خاصی تحت عنوان اختیار نمایندگان اختصاص داده شده است و در اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز در فصل ۳ به طو مبسوط به این امر پرداخته شده است. متأسفانه در قوانین داخلی ما از جمله در قانون مدنی و قانون تجارت، قواعد وکالت و نمایندگی و معاملات فضولی به طور کلی مورد استفاده قرار می گیرد که این قواعد بعضاً پاسخگو نیازهای امروزی در این سطح پیچیده نمی باشد؛ در این خصوص می بایست بین قراردادهای تجاری تنظیمی و بین اسناد تجاری تنظیمی (چک، سفته، برات) به نوعی قائل به تفکیک شده و هر یک را به طور جداگانه تحلیل نماییم. در این مقاله حالتی که نماینده دارای سمت بوده و اختیار داشته و این امر را نیز در قرارداد مطرح نموده است و طرف مقابل از آن با خبر بوده است مورد بحث قرار نگرفت، زیرا در این حالت کلیه سیستم های حقوقی اعم از داخلی و خارجی نظر واحد داشته و در این حالت اصریل و منوب عنه را چه در قراردادهای تجاری و چه در اسناد تجاری مسئول می دانند و صرفاً در قانون صدور چک ایران مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی و مشخصاً ماده ۱۹ آن قانون، علاوه بر مسئول دانستن اصریل، نماینده نیز مسئول دانسته شده که این قاعده یک استثناء محسوب شده که درخصوص سفته و برات و همچنین قراردادهای تجاری قابل تسری نمی باشد. نظر به اینکه فروض مختلفی نسبت به موضوع امضا اسناد و قراردادهای تجاری توسط نمایندگان در اشخاص حقیقی و حقوقی در عالم اثباتی متصور می باشد که هر کدام می تواند تاثیرات زیادی در حقوق اشخاص ثالث و حتی موکل و منوب عنه گذارد که مورد تبیین قرار گرفت، لذا شایسته است قانونگذار محترم در خصوص پر کردن این خلا قانونی تصمیم گیری های لازم را اتخاذ نماید.

منابع

اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۴). حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.

اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۳). حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.

اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۱). حقوق تجارت، شرکت های تجاری، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.

اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۵). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار اسناد در وجه حامل چک)، تهران، انتشارات سمت، چ ششم.

امیر معزی، احمد. (۱۳۹۵). نیابت در روابط تجاری و مدنی. تهران، چاپ ششم، مؤسسه انتشارات دادگستر.

امیر محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۷). «اثر تجاوز مدیران دولتی از حدود اختیارات خود در انعقاد قراردادها». مجله دانشکده حقوق و علوم

سیاسی. ۴-۳۵-۲۵ ابن فارس زکریا، احمد. ۱۴۰۴ ه ق. (معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی).

آخوندی، رضا. (۱۳۹۴). عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه. چاپ چهارم، تهران. نشر دادگستر.

اخلاقی و امام، بهروز و فرهاد، اصول حقوق قراردادهای تجاری (ترجمه و تحقیق) شهر دانش چاپ سوم.

امام خمینی (قدس سره) ۱۳۸۵/ جلد یک تحریر الوسیله انتشارات امام خمینی

امام خمینی، روح الله (۱۴۲۱ ه ق) البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

ابن بابویه قمی صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳)، **من لا یحضره الفقیه**، جلد ۳، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بهرامی، بهرام. (۱۳۹۴). اجرای مفاد اسناد رسمی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، چاپ چهارم.

بهرامی احمدی، بهرام. (۱۳۹۲) معاملات فضولی و انتقال مال غیر، تهران، انتشارات پیام عدالت.

بهرامی، بهرام. (۱۳۹۰). بایسته های ادله اثبات، چاپ چهارم

بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره. ج ۲۲. بیروت: دارالاضواء.

بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۰). من لا یحضره الفقیه. ج ۳. تهران: دارالکتب العلمیه

پورارشد، نادر. (۱۳۹۴). نمایندگی ظاهری در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

حاجیان، هادی. (۱۳۹۴) حقوق نمایندگی، انتشارات دانش نگار

حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۵). المختصر النافع فی فقه الامامیه. بیروت: دارالاضواء، پ سوم.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۵) ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش

خزاعی، حسین. (۱۳۹۵). حقوق تجارت بین الملل، ج ۵، چاپ پنجم تهران: نشر میزان

خردمندی، سعید. (۱۳۹۵). وکالت در حقوق تجارت و تطبیق آن با فقه. ج ۱۰. قم. انتشارات موسسه بوستان کتاب قم.

درودیان، حسنعلی. (۱۳۹۲). تقریرات درس حقوق مدنی ۳، دانشکده حقوق دانشگاه تهران

راستین، منصور. (۱۳۹۲). حقوق تجارت. تهران. انتشارات دان صقری، محمد. (۱۳۹۰). اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت (بحثی در حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۳

شعاریان و ترابی، ابراهیم، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی) ترجمه و تحقیق، انتشارات فروزش، چاپ اول ۱۳۸۹

صقری، محمد (۱۳۸۷) حقوق بازرگانی جلد اول انتشارات شرکت سهامی انتشار چاپ دوم

صقری، محمد. (۱۳۹۰). اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت (بحثی در حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۳.

طارم سری، مسعود. (۱۳۹۴). حقوق بازرگانی بین المللی، چاپ چهارم، تهران: نشر بازرگانی

طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (بیتا). المبسوط فی فقه الامامیه. ج ۲. بیروت (لبنان): دارالکتاب الاسلامی.

طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۴۱۵). خلاف. ج ۳. بیجا: موسسه النشر الاسلامی.

عاملی، زین الدین جبعی (۱۳۸۵). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. تهران: انتشارات مجد.

عبدی پور. ابراهیم. (۱۳۹۲). "ماهیت حقوقی اسناد تجاری"، جزوه حقوق تجارت دانشکده آموزش الکترونیکی دانشگاه قم..

عیسای تفرشی، محمد. (۱۳۹۶). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد دوم، چاپ پنجم، دانشگاه تربیت مدرس.

علامه حلی، حسن. (۱۴۱۴ ه ق). تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل البيت (ع)

فاضل هرنندی، محی الدین، ۱۳۸۵ ترجمه و شرح مکاسب، قم، انتشارات بوستان کتاب.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۰۶). الوافی، ج ۱۰ اصفهان: منشورات الامام امیر المومنین علی علیه السلام العامه.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰/ص ۱۴۶

قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۹۲). اصول قراردادهای و تعهدات، چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.

قنواتی خلف آبادی. خلیل. (۱۳۹۵). نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰) حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادهای، چاپ هفتم، تهران.

کاتوزیان، ناصر(۱۳۸۷). عقود معین. ج ۱ و ۲. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر(۱۳۹۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد، ایقاع، تهران، انتشارات بهمن برنا، چاپ یازدهم).

مصطفوی، حسن(۱۴۰۲ ه ق) التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز ترجمه و نشر سهامی انتشار.

مروارید علی اصغر سلسله الینایع الفقهیه، جلد شانزدهم، چاپ اول بیروت موسسه فقه و شیعہ ۱۴۱۰

محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ه ق). جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل البيت(ع)

میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات، چاپ سنگی، ۱۳۰۳

نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیة الطالب فی حاشیة المكاسب، مکتبه محمدیه ۱۳۷۳، اول، تهران

نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالاحیاء لثراث العربی، ۱۳۴۹، هفتم، لبنان.

وحیدی، فریده(۱۳۹۵) رژیم حقوقی حاکم بر ثبت شرکتهای تجاری، انتشارات میزان

یزدی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ ه ق). العروة الوثقی، بیروت: مؤسسه علمی

Beale, H.G. ۲۰۰۸. Chitty on Contracts, v. ۲, London, Sweet & Maxwell: ۶ & Judge, Stephen.

Busch, D & Macgregor L.G (۲۰۰۹).

Comparative Study In The Law Of Ostensible International Trade law journal, Vol . ۱۶, No. ۱, ۲۰: authorised Agent: Cambridge University Press.

Business Law, London, Macmillan: ۳۰۶

Samuel. J. Stoljar, The Law of Agency, Sweet & Maxwell, ۱۹۶۱. - Sergey Budylin, "A Apparent Agency In The U.S and Russia," ۰۷

Speidel, R. E. (۲۰۰۵), Restatement Second: Omitted Terms and Contract Method, Cornell L. Rev., Volume ۶۷, Issue ۴, p. ۷۸۵-۸۰۹

Daniel Kleinberger, and Peter Knapp, "Apparent Servants and Making Appearances Matter: A Critique of Bagot v. Airport & Airline Taxi Cab Corporation," William Mitchell Law Review, Vol. ۲۸, No. ۴, ۲۰۰۲.

Mann, R, A & Roberts, B, S (۲۰۱۰). Essentials of Business Law. ۱۰ ed. USA:

Willia Contract, Oxford, ۲۲nd edition, m Anson, Principles of The English Law of Contract and of Agency in Its Relation